

ارزیابی میزان اثربخشی الگوی مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیما و منظر شهری؛ نمونه موردی منطقه ۷ شهرداری تهران

۸۲

مطالعه موردی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲

چکیده

اهمیت «سیما و منظر شهری» نقش مهمی در زیباسازی و هویت بخشی محیط شهری دارد. شهرهای امروزی، به دلیل عدم ساماندهی سیمای شهری در قالب سیاست های مدیریتی و منفعت اقتصادی از یافتن هویت بصری بی بهره هستند. بی توجهی مدیریت بصری موجب کاهش کیفیت سیما و منظر منطقه شهر تهران شده است. هدف مقاله، تحلیل کیفیت سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران با رویکرد مدیریت بصری است. پژوهش کاربردی است و ماهیت تحلیلی دارد. روش استفاده شده ترکیبی (کیفی - کمی) است. اطلاعات مورد نیاز، به روش کتابخانه ای گردآوری شده است. جامعه آماری را کارشناسان منطقه ۷ شهرداری تهران تشکیل می دهند. روش نمونه گیری احتمالی و از نوع طبقه ای است. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه از نوع بسته است. برای تحلیل داده ها از مدل دیمتل استفاده شده است. نتایج داده ها نشان می دهد «معیار ارتقای پیوستگی و تداوم بین نشانه ها و فضاهای اصلی شهر» با کسب نمره ۱/۵۸ و معیار «توجه به یکپارچگی و هماهنگی ساختاری و سازمانی» با کسب نمره ۱/۰۱ بیشترین اثرگذاری را داشته و «معیار افزایش حضورپذیری و ارتقای کیفیت فضا در مکان های دریافت منظر» و «سیستم های مدیریت شهری مجهز به مجموعه ای از نیروهای فنی و تخصصی» با کسب نمره ۱/۵ - بیشترین تأثیرپذیری را داشته است. می توان نتیجه گرفت که توجه کمتر به مدیریت بصری در سیما و منظر منطقه ۷ تهران موجب ارتباط ضعیف میان عناصر طبیعی و انسان ساخت در منطقه شده است و هماهنگی میان سطوح مختلف تصمیم گیری وجود ندارد. پیشنهاد می شود دیدگاه همه جانبه نگر به ویژگی های کالبدی - بصری و اجتماعی - ادراکی و مدیریت یکپارچه بصری تحقق یابد.

* نویسنده مسئول: siminnajmi@yahoo.com

کلمات کلیدی

تحلیل
سیما و منظر شهری
مدیریت بصری
شهر تهران
منطقه ۷



COPYRIGHTS

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Omidvar A. Najmi S. Estelaji A. Evaluating effectiveness of visual management model in enhancing urban form and landscape quality: a case study of district 7, tehran municipality. *Urban Economics and Planning* 7(3):82-93.

DOI: 10.22034/uep.2025.546208.1710

۱. مقدمه

ارتقای سیما و منظر شهری فراتر از یک ساماندهی پوسته‌ای و گذرا است، چرا که شهر به عنوان سیستم پیچیده‌ای که در دل بسترش به پایداری رسیده، موجود زنده‌ای است که مدام در حال تغییر و تحول است. این پویایی و حرکت، تعیین‌کننده بسیاری از رفتارها و واکنش‌های شهر است. سیما و منظر شهری یکی از صورت‌های واکنش به نیروهای بستر است. سیما و منظر شهری، مهم‌ترین بخش کیفیات فضاهای شهری محسوب می‌شوند که عامل تقویت و یا تضعیف حس مکان و در نهایت، حس تعلق خاطر افراد به محیط خود می‌شوند. این پدیده نقش کلیدی و تأثیرگذار در هویت و مطلوبیت مکان و جامعه را دارد. کیفیت‌های بصری نه تنها منعکس‌کننده ارزش‌های یادشده است، بلکه در مواردی سمبل و هویت ملی، منطقه‌ای به شمار می‌آید (Shamlo, 2018: 197).

منظر شهری را می‌توان نمادی از مظاهر فرهنگی و تمدن شهرها و متناسب با آن کشورها و اقوام و ملل مختلف دانست. منظر شهری چشم‌اندازی است که شهرها به بینندگان القا می‌کنند. فضای شهرها در سال‌های اخیر هویت فرهنگی، تاریخی و بصری خود را به دلیل کسب منفعت اقتصادی توسط ذی‌نفعان از دست داده است. بهتر است مباحث نظری و فکری مرتبط با مفهوم منظر شهری به جای تبدیل شدن به یک مفهوم ذهنی به مفهوم عینی آن هم توجه شود. به این دلیل که سیما و منظر فضای شهری همان چیزی است که توسط شهروندان دیده می‌شود (Daneshpour, 2018: 60). سیمای شهر کیفیت‌های متغیر فضای شهری است که بیننده طی زمان از محیط دریافت می‌کند. سیمای شهر بر اساس سیر تاریخی ابتدا مفهومی عینی و سپس به عنوان سوژه‌ای ذهنی مطرح شده است. از جمله نکاتی که درباره سیمای شهر می‌توان گفت، این است که به دیده می‌آید، به ذهن سپرده می‌شود و سبب شادی خاطر می‌شود. شهر به خلاف یک اثر معماری که در فضا خلق می‌شود تنها با گذشت زمان سیما و منظر نهایی خود را می‌یابد و این سیما مدام در حال تغییر است (Hasanzadeh moghadam, 2002: 4).

مسئله‌ای که به طور چشمگیر در سیما و منظر شهرهای امروز به چشم می‌خورد این است که سیما و منظر شهرهای امروز از نظم خاصی برخوردار نیستند. در این زمینه دو دیدگاه متمایز وجود دارد؛ عده‌ای از متخصصان و کارشناسان آن را مقوله‌ای صرفاً فرهنگی می‌دانند و معتقدند که سیما و منظر شهری و چگونگی آن متأثر از فرهنگ جامعه است. در مقابل، جمعی دیگر عقیده دارند که چهره محدود و آفت‌زده سیمای کنونی شهری ما حاصل بی‌توجهی و کم‌کاری‌های دست‌اندرکاران مربوطه و قوانین و ضوابط نظام مهندسی و شهرداری‌ها طی دهه‌های اخیر است. فقدان مدیریت بصری مشخص، اندیشیده شده و در عین حال، انعطاف‌پذیر و متناسب با زمینه در بسیاری از شهرها موجب بروز اغتشاش‌های بصری شده است. این آشفتگی‌های بصری مانند ابهام در فرم، فقدان پیوستگی کالبدی - بصری و عدم پیوند بصری حوزه‌های شهری، در منظر شهرهای امروزی خودنمایی می‌کنند. محصول این اغتشاش‌های بصری، پیچیدگی حس شناسایی و جهت‌یابی شهروندان در شهر و در نتیجه عدم دسترسی راحت به نقاط شهری به‌خصوص در شهرهای بزرگ است. تأثیر این آشفتگی و نابسامانی بر روح و روان شهروندان و همچنین، تأثیر آن بر عملکرد نامطلوب شهرها موجب گسست پیوند معنایی و رابطه شناختی - ادراکی بین شهر و ساکنان آن شده است (Fadami, 2020: 190).

امروزه نابسامانی و اغتشاش در سیما و منظر شهرهای ایران به‌خصوص کلان‌شهر تهران، واقعیتی پذیرفته‌شده توسط مسئولان، حرفه‌مندان، صاحب‌نظران و عامه مردم است. این در حالی است که هنوز ابهامات زیادی در این زمینه حتی در ارتباط با مفهوم دقیق دو واژه سیمای شهری و منظر شهری میان صاحب‌نظران وجود دارد. در واقع، ابهامات در زمینه ابعاد ماهوی سیما و منظر شهری از یک‌طرف و رویه برخورد با نابسامانی‌های آن از طرف دیگر، خود از دلایل فقدان هرگونه برنامه‌ریزی منسجم در این زمینه بوده است (Seifollahi, 2022: 5).

آشفتگی سیما و منظر شهری در تهران و نیاز به ساماندهی آن، حقیقت عینی است که با وجود غیر شفاف بودن معانی و ابعاد به‌کارگرفته‌شده برای هر یک از این دو واژه در کشورمان، همه با شفافیت بر حضور آن اذعان دارند، ولی واقعیت نهایی که کمتر با شفافیت کافی مورد توجه گرفته این است که آشفتگی سیمای شهری که موجب ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، قانونی، اخلاقی، فعالیتی، روانی، بصری و محیطی، چه از منظر عینی آن (منظر شهری یا Cityscape) و چه از زاویه برداشت‌ها و تصویرهای ذهنی فرد از آن (تصویر شهر یا City Image) می‌شود، خود فرآورده ناگزیر آشفتگی‌ها، ناهنجاری‌ها و نارسایی‌های گوناگونی است که کلیت فرایند توسعه شهری در تهران را شکل می‌دهد. در واقع، می‌توان گفت که در فراگرد توسعه شهر تهران، سیمای شهری هم به عنوان ظرف و هم مظهر عمل می‌کند، ظرفی که فعالیت‌ها، رفتار و برداشت‌های شهروندان به طور عام و در مقابل آن تصمیمات و واکنش‌های سیاست‌گذاران و سایر کنشگران را شکل می‌دهد و مظهری که خود از اقدامات کنشگران گوناگون جامعه مانند توسعه‌گران، تولیدکنندگان و سیاست‌گذاران شهری شکل می‌گیرد. به همین دلیل، مسئله مدیریت بصری و سیمای شهری و فرایند شکل‌گیری و تأثیرپذیری آن را باید در سطحی وسیع‌تر، عمیق‌تر و کلان‌تر از ابعاد قابل رؤیت بصری و کالبدی آن در مقام یک فرآورده نهایی و ایستا مورد تحلیل و بررسی قرار داد (Gorji, 2006: 87).

تا کنون توجه به سیما و منظر در منطقه ۷ شهر تهران چیزی جز بعد انکارشده‌ای از سیاست‌گذاری‌های شهری و منطقه‌ای و در نتیجه، عاملی در جهت خلق و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی، فعالیتی، محیطی و حقوقی نبوده و به همین دلیل نیاز مبرمی به تلاش برای مدیریت بصری منطقه ۷ به مفهوم وسیع و فراگیر آن است. ولی این مدیریت نیاز به هدف‌گیری از لحاظ ماهوی، روبه‌ای و مقیاس عمل در ارتباط با سیاست‌گذاری‌ها دارد که وجه اول آن، بازنگری ریشه‌ای در زیرساخت‌ها، دیدگاه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد و به‌خصوص رفع نارسایی‌های نظام هدایت فرایند توسعه شهری به طور عام و وجه دوم آن، برخورد مستقیم با نابسامانی‌های سیما، منظر و ساختار منطقه به عنوان فرآورده این فرایند، از طریق هدایت ابعاد زیبایی‌شناختی، زیست‌محیطی، اجتماعی، حقوقی، قانونی، بصری، روان‌شناختی و ادراکی آن است. مدیریت بصری منطقه ۷ را می‌توان به فرایند برنامه‌ریزی و طراحی کیفیت بصری، سازمان‌دهی کیفیت بصری، هدایت تحقق کیفیت بصری و نظارت و کنترل بر فرم کالبدی به منظور کمک به ادراک و تجربه قوی‌تر ناظران در فضا و ایجاد تصویر ذهنی منسجم و پیوسته از شهر در ذهن شهروندان، هنگام نکاستن از شگفت‌انگیزی و رازآمیزی فضا تعریف کرد. ارتقا و بهبود کیفیت‌های موجود بصری و سامان دادن به سیما و منظر منطقه ۷ تهران، هدف اصلی مدیریت بصری است (Daft, 2010: 6).

از طرفی، طی سالیان اخیر برنامه‌ها، طرح‌ها، دستورالعمل‌ها و مقررات متنوعی در خصوص هدایت و هویت‌بخشی سیمای شهر تهیه و اجرا شده است و هریک به نوبه خود اثراتی را بر پیکر محلات منطقه ۷ گذاشته‌اند، اما در این بین جای خالی یک مطالعه عمیق و جامع در خصوص اثرات این برنامه‌ها و پیامدهای مثبت و منفی آن‌ها و به دنبال آن، آسیب‌شناسی راهکارهای در پیش‌گرفته‌شده احساس می‌شود. چه بسا اگر در گذشته این اقدام به نحو شایسته و علمی صورت می‌پذیرفت، اکنون شاهد این میزان از تنوع، ناهماهنگی در سیمای منطقه نبودیم. لذا با توجه به توضیحات ارائه‌شده و سبقت فرهنگی، تاریخی و هویتی این منطقه به دلیل جای دادن محلاتی همچون قصر و حشمتیه، پادگان عشرت‌آباد، گرگان، نظام‌آباد، آرامنه و ... به نظر می‌رسد بررسی فرایندها و الگوهای مدیریت سیمای و منظر طی دهه‌های گذشته و دستیابی به ضعف‌ها و قدرت و آسیب‌شناسی فرایندهای گذشته و جاری می‌تواند در جهت نیل به راهبردهایی منطقی، عملی و علمی با هدف بهبود کیفیت مؤلفه‌های سیمای و منظر شهری منطقه ۷ شهرداری تهران راه‌گشا باشد.

در این پژوهش محقق سعی در شناسایی فرایندها و نیروهای مؤثر بر سیمای و منظر شهری منطقه ۷ شهر تهران را داشته و در صدد است تا با آسیب‌شناسی ساختارها و چارچوب‌های موجود در حوزه مدیریت بصری شهر به یک الگوی یکپارچه و کارا به منظور بالا بردن کیفیت سیمای و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران دست یابد. لذا در این مسیر نیاز به استقرار زیرساخت‌های حقوقی و اخلاقی ضروری در سطح کلان و همچنین، ایجاد تحول در رویکردها و سیاست‌های شهری که از چالش‌های اصلی به شمار رفته و در عین حال ارتباط مستقیم‌تری با مسئله دارند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، مسئله اصلی این تحقیق را می‌توان آسیب‌شناسی رویه‌ها، سیاست‌ها و چارچوب‌های مدیریت بصری شهر تهران در نمونه موردی منطقه ۷ دانست که با هدف ارتقای مؤلفه‌های کیفیت سیمای و منظر شهری منطقه ۷ انجام می‌شود. به گونه‌ای که در جهت هویت‌بخشی به منطقه و ایجاد تعامل سازنده بین ساکنین و استفاده‌کنندگان با محیط مصنوع و طبیعی موجود انجام باشد. با توجه به مطالب مطرح‌شده، سؤال پژوهش به این ترتیب ارائه می‌شود: چه معیارهایی بر مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیمای و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران تأثیر دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات متعدد داخلی و خارجی در ارتباط با مفهوم مدیریت بصری و سیمای و منظر شهری انجام شده که به شرح زیر است. گائو و همکاران (۲۰۲۵) در تحقیق خود با عنوان «طراحی منظر با استفاده از فناوری‌های ارتباط بصری» به این نتیجه رسیدند که شهرنشینی جهانی همراه با رشد اقتصادی افزایش یافته است. شهرها در حال حاضر بهره‌وری و رفاه را هدایت می‌کنند، اما اغلب با از دست دادن طبیعت، افزایش روزافزون کاهش منابع، تخریب محیط زیست و خطرات بهداشت عمومی همراه است. پارک‌های شهری که به عنوان «طبیعت دوم» حیاتی هستند، از طریق مداخلات سبز این مسائل را کاهش می‌دهند. این پژوهش فناوری‌های دیجیتال و روش‌های محاسباتی را برای افزایش دقت علمی طراحی منظر گیاهی ادغام می‌کند. این مطالعه استفاده از کامپیوتر را برای استخراج داده‌های بصری از تصاویر، باهدف کاهش ذهنیت و بهبود

عینیت در ارزیابی منظر، بررسی می‌کند. روش تحقیق پژوهش کمی است. چنین روشی نشان می‌دهد چگونه فناوری‌های دیجیتال و یادگیری ماشین، می‌توانند در فرایند طراحی منظر ادغام شوند تا جمع‌آوری، پردازش و اعتبارسنجی ساختاریافته داده‌ها را ارتقا دهند. این مقاله استدلال می‌کند که ادغام علوم انسانی در طراحی، ارتباطات بصری معناداری را تقویت می‌کند که برای توسعه شهری پایدار حیاتی است. در نهایت، این مقاله چارچوبی را پیشنهاد می‌کند که تکنیک‌های محاسباتی را با حساسیت‌های طراحی ادغام می‌کند تا کیفیت‌های زیست‌محیطی و زیبایی‌شناختی پارک شهری را ارتقا بخشد (Gao, 2025:19).

زانگ و همکاران (۲۰۲۵) در تحقیق خود با عنوان «بررسی مکانیسم ادراک راحتی بصری در منظر شهری سه‌بعدی» به این نتیجه رسیدند که ارزیابی بصری منظر یک روش کلیدی برای ارزیابی ارزش منابع چشم‌انداز بصری است. هدف مطالعه یادشده، ارتقای محیط بصری و کیفیت حسی مناظر شهری با ایجاد استانداردهایی برای آسایش بصری مناظر طبیعی شهری است. پژوهش یادشده با هدف ارتقای محیط بصری و کیفیت حسی مناظر شهری با ایجاد استانداردهایی برای آسایش بصری مناظر طبیعی شهری انجام شده است. این روش با استفاده از الگوریتم‌های خط دید و تحلیل چندعاملی، قابلیت دید فضایی و میزان قرارگیری بصری خوشه‌های ساختمانی در مناطق اصلی شهری را ارزیابی می‌کند و مناطق و نقاط دید با پتانسیل بصری بالا را شناسایی می‌کند. روش تحقیق پژوهش کیفی - کمی است. این مطالعه با تمرکز بر دیدگاه‌های مدل‌های سه‌بعدی برجسته و محیط بصری چشم‌انداز اطراف، از آسمان شهر، فضای سبز و ویژگی‌های آب به عنوان عناصر بصری کلیدی برای ارزیابی راحتی مناظر طبیعی شهری استفاده می‌کند. نتایج نشان می‌دهد تجزیه و تحلیل بصری سه‌بعدی به طور مؤثر رابطه بین ساختمان‌های شاخص و مناظر اطراف را نشان می‌دهد و پشتیبانی علمی برای برنامه‌ریزی شهری و کمک به توسعه فضای شهری متمایزتر و جذاب‌تر را فراهم می‌کند (Zhang, 2025: 625).

ایتو و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیق خود با عنوان «درک ادراک شهری با داده‌های بصری: یک بررسی سیستماتیک» به بررسی تأثیر ویژگی‌های بصری محیط ساخته‌شده بر نحوه درک و تجربه مردم از شهرها پرداختند. برای مدت طولانی، بسیاری از مطالعات ادراک بصری را در شهرها بررسی کرده‌اند. پژوهش یادشده یک رویکرد مرور سیستماتیک مرسوم را با روش‌های جدیدتر یادگیری ماشین ترکیب کرده تا مرور را قابل تکرار کند و در عین حال به کارایی حاصل از این تکنیک‌های جدید دست یابد. روش تحقیق پژوهش کیفی است. ادراک بصری شهری یک زمینه تحقیقاتی گسترده و به‌سرعت در حال رشد است، اما هیچ مقاله مروری سیستماتیک جامعی برای تثبیت تحولات و شناسایی جهت‌های تحقیقاتی فعلی و آینده وجود ندارد. این پژوهش ۳۹۳ مقاله در زمینه بصری شهری را برای تولید یک بررسی جامع در این زمینه بررسی کرده و امکان بررسی سیستماتیک خودکار را برای اولین بار با استفاده از مدل‌های یادگیری ماشینی پیشرفته و پردازش زبان بزرگ نشان داده است (Ito, 2024: 9).

برندالیس و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیق خود با عنوان «توسعه یک گونه‌شناسی برای درک مفاهیم مدیریت بصری و روابط آن‌ها» به بررسی طبقه‌بندی مدیریت بصری پرداختند. روش تحقیق یادشده پژوهش کیفی - کمی است. آن‌ها مدیریت بصری را یک استراتژی

برای مدیریت اطلاعات می‌دانند که هدف آن، افزایش شفافیت فرایند، یکی از اصول اصلی فلسفه تولید ناب، است. این استراتژی به طور گسترده در تولید مورد استفاده قرار گرفته، اما استفاده از الگوی مدیریت بصری (VM) در ساخت‌وساز هنوز بسیار محدود است. از آنجا که توسعه الگوی مدیریت بصری عمدتاً مبتنی بر تلاش‌های آزمون و خطا است، ایجاد طبقه‌بندی‌هایی از شیوه‌های آن مفید است که می‌تواند به گونه‌شناسی‌هایی برای پشتیبانی از درک مفاهیم و توسعه نظریه‌ها منجر شود. آن‌ها عقیده دارند مدیریت بصری یک استراتژی برای مدیریت اطلاعات است که هدف آن، افزایش شفافیت فرایند، به عنوان یکی از اصول اصلی فلسفه تولید است. از آنجا که توسعه مدیریت بصری بیشتر مبتنی بر تلاش‌های آزمون و خطا است، تولید طبقه‌بندی عملکردهای مدیریت بصری مفید است. از این‌رو، می‌تواند به گونه‌شناسی برای حمایت از درک مفاهیم و توسعه نظریه‌ها منجر شود (Brandalise, 2002: 12).

وفاداری و همکاران (۲۰۲۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی تأثیر نورپردازی در جذابیت منظر شبانه پارک‌های شهری از دیدگاه شهروندان» به این نتیجه رسیدند که نورپردازی در ورودی‌ها و پیاده‌روها به منظور زیبایی، خوانایی، امنیت و سرزندگی این اماکن نقش مهمی را ایفا می‌کنند. روش تحقیق پژوهش کیفی - کمی است. همچنین، برای به دست آوردن داده‌های مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای معتبر، مشاهده، پرسشنامه و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. به طور کلی، می‌توان بیان کرد که نورپردازی مناسب به پارک‌های شهری در شب زیبایی می‌بخشد، امنیت و ایمنی را افزایش می‌دهد، خوانایی پارک‌های شهری را بالا می‌برد و زیست‌پذیری شهرها طی شبانه‌روز را سبب می‌شود (Vafadari, 2024: 146).

یداللهی و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی ارتقای خوانایی منظر شهری بر کیفیت شهری» به بررسی خوانایی منظر شهری به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت شهری پرداختند. پژوهش یادشده با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای خوانایی منظر شهری، سه نمونه موردی در ایران، کره جنوبی و ایالات متحده را مورد تحلیل قرار داده است. روش تحقیق شامل تحلیل محتوای منابع علمی، بررسی تطبیقی پروژه‌های منتخب و ارزیابی شاخص‌های خوانایی از منظر کالبدی، ادراکی و عملکردی است. بررسی تطبیقی این پروژه‌ها نشان می‌دهد خوانایی منظر شهری نه تنها به وضوح نشانه‌های بصری و سازمان فضایی وابسته است، بلکه به تجربه ذهنی و احساس تعلق کاربران نیز مرتبط می‌شود. بهره‌گیری از مسیرهای هدایت‌کننده، طراحی خوانا و تعامل‌پذیر فضاها و به‌کارگیری عناصر هویتی می‌تواند به بهبود کیفیت فضاها شهری کمک کند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان الگویی برای برنامه‌ریزان شهری، معماران و طراحان منظر در راستای ارتقای خوانایی فضاها شهری و بهبود تجربه کاربران، مورد استفاده قرار گیرد (Yadollahi, 2024: 12).

نگاهی به مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده از چند جهت، پژوهش حاضر را متمایز می‌سازد: اول، محققان متعددی مفاهیم سیما و منظر شهری و مدیریت بصری را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند و تا کنون محققانی که هر دو مفهوم را به صورت هم‌زمان و در کنار هم مورد مطالعه قرار دهد، وجود نداشته است. از این‌رو، در پژوهش حاضر برای اولین بار است که مفاهیم یادشده در کنار هم مورد مطالعه قرار گرفته است. دوم، ابعاد و شاخص‌های

مورد مطالعه پژوهش حاضر است که نسبت به سایر مطالعات مشابه، کامل‌تر و جامع‌تر و دربرگیرنده ابعاد متنوع‌تری است. پژوهش حاضر علاوه بر معیار کالبدی - فضایی بر سایر معیارهای اجتماعی - اقتصادی - محیطی و مدیریتی هم تأکید دارد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه منطقه ۷ شهرداری تهران از نظر تنوع فرمی و کالبدی از مناطق ناهمگون شهر تهران به شمار می‌آید تا کنون مطالعه دقیق و جامعی در خصوص مدیریت بصری منطقه صورت نپذیرفته است. سوم، تلاش برای درک علل، فرایندها و زمینه‌های مؤثر و به‌وجودآورنده عدم تحقق مدیریت بصری در راستای ارتقای کیفیت سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران است، چراکه اکثریت تحقیقات انجام‌شده درباره سیما و منظر شهری و مدیریت بصری اساساً به تعریف، ابعاد، شاخص‌ها و روش‌های اندازه‌گیری این مفهوم پرداخته‌اند. چهارم، اکثر مدل‌های استفاده‌شده برای تحلیل داده‌ها در سایر پژوهش‌ها استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل داده بوده که بیشتر بر اساس امتیازهای داده‌شده به مؤلفه‌های مورد نظر توسط شهروندان محدوده مورد مطالعه است. در صورتی که به دلیل ترکیب دو متغیر سیما و منظر شهری و مدیریت بصری و تخصصی بودن مؤلفه‌های مورد نظر از مدل دیمتال برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. این مدل میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معیارهای را نشان می‌دهد.

۳. مبانی نظری

در تعریف سیما و منظر حقیقت این است که مردم عادی و افراد غیر متخصص تفاوتی بین سیما و منظر قائل نیستند و این دو واژه را مترادف و هم‌معنا باهم تلقی می‌کنند و به کار می‌برند. حال اینکه سیما و منظر شهری دو بحث مجزا و دو تعریف متفاوت دارند. از آنجا که موضوع سیما و منظر شهری پدیده‌ای است که شامل دو بعد عینی و ذهنی می‌شود، لذا همواره بیم آن وجود دارد که مفاهیم به جای یکدیگر به کار روند و نبود یک ادبیات مشترک باعث ایجاد سوءبرداشت‌هایی شود.

سیمای شهری: شکل شهری و هر آنچه به صورت بصری نمایان و قابل ادراک است. همه اطلاعات بصری که ناظر از فضا طی زمان ادراک می‌کند. سیمای شهر، ترکیب ظاهر ساختمان‌ها و فضای بین آن‌ها یا فضاهای درون شهرها مانند فضای سبز و غیره است که شامل همه عناصری می‌شود که در ترکیب با یکدیگر جلوه ظاهری آن فضا را می‌سازند. سیمای شهری شامل عناصری همچون: سیمای زمین، سیمای جداره‌ها، جلوه ظاهری فعالیت‌های در حال انجام در فضای شهر، نمود ظاهری انسان‌ها و جلوه ظاهری کلیه الحاقات ثابت و متحرک فضا است. در واقع، سیمای شهر ماهیتی پویا دارد. کالمن مفهوم «محتوی سیما» را در ارتباط با برخی از اجزای فضای شهری مانند رنگ، بافت، مقیاس، سبک، شخصیت و حضور مردم و فعالیت و زندگی مطرح می‌کند. کیفیاتی نظیر تنوع، غنای بصری، تبدیل‌پذیری و مناسبت بصری در فضای شهری از اهمیت زیادی برای پاسخ‌گو کردن فضا یا فضاهای پاسخ‌گو برخوردار است. به دلیل وجود اطلاعات بصری فراوان، موضوع تنوع مطلوب بسیار مهم است. حد تنوع از یکنواختی (عدم تنوع) تا اغتشاش است و حفظ تنوع و پیچیدگی مطلوب در سیمای فضای شهری، به جذابیت و خوشایندی فضا می‌افزاید (Pakzad, 2006: 23).

منظر شهری، همه اطلاعات بصری قابل ادراک از فرم و شکل شهر است که ناظر از فاصله دور از یک نقطه خاص مکان‌ها و عرصه‌های

عمومی دریافت می‌کند. در منظر شهری، موضوع دید یا ایژه به‌راحتی قابل تفکیک است. عموماً این‌گونه منظر که از آن با عنوان دید نیز نام برده می‌شود؛ شامل سه نوع کلی دید از درون به درون، دید از بیرون به درون و دید از درون به بیرون است. واژه‌های حوزه معنایی منظر شهری، شامل چشم‌انداز و دورنمای متمرکز نیز می‌شوند. در واقع، سیما و منظر شهری به عنوان سطح تماس انسان و پدیده شهر و جنبه قابل ادراک آن روی کنش و واکنش فرد و ارزیابی کیفی او مؤثر است (Bereliani, 2018: 39).

سیما و منظر شهری یکی از عناصر به‌وجودآورنده کالبد شهرها است، به‌گونه‌ای که ویژگی‌های آن از نظر عینی قابل مشاهده و از نظر ذهنی برای شهروندان قابل درک باشد. عوامل تأثیرگذار بر مفهوم عینی سیمای شهری از دیدگاه لینچ شامل نشانه‌ها در فضای شهری، لبه‌ها مانند رودخانه، مسیرها، گره و حوزه است. اگر در مفهوم سیما و منظر شهری یکی از عوامل تأثیرگذار چه عینی چه ذهنی دچار مشکل شود بر هم تأثیر می‌گذارند و فهم آن را برای شهروند دچار مشکل می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت که سیما و منظر شهری پدیده‌ای فعال و زنده است که از یک‌سو از ارتباط شهروندان با فضای شهری تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر، موجب به وجود آوردن خاطره در ذهن شهروندان می‌شود و می‌تواند فرهنگ آن‌ها را تغییر دهد (Manzo, 2005: 27).

از سوی دیگر، مدیریت بصری شهر را می‌توان فرایند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی کالبد شهر در راستای کمک به درک قوی‌تر مخاطبان فضا و ایجاد یک تصویر ذهنی منسجم و پیوسته از شهر در ذهن مخاطب شهر تعریف کرد. به بیانی دیگر، می‌توان مدیریت بصری شهر را زیرمجموعه‌ای از مدیریت کلان‌شهری در نظر گرفت که حوزه عملیاتی آن مسائل کالبدی و بصری شهر و هدف آن، بهبود کیفیت دید و منظر شهری مقیاس شهر از کلان تا خرد است (Ito, 2024: 11). در ارتباط با کیفیت سیما و منظر شهری با تأکید بر مدیریت بصری رویکردهای متنوعی وجود دارد که به شرح زیر است:

رویکرد مکان‌محور به سیمای شهر: کالبد معتقد است که آنچه در خلق یک بنا مؤثر است هنر معماری است، اما از هم‌جواری چندین و چند بنا کیفیت جدیدی شکل می‌گیرد که موفقیت این هم‌جواری مربوط به هنر ارتباط است، هنر برقراری ارتباط میان عناصر بصری در کلیت جدید. به اعتقاد کالبد، درک کیفیت‌های سیمای شهری مستلزم حرکت در فضا است. همچنین، چیدمان این‌بینه با یکدیگر کیفیت بصری متفاوتی را از زوایای مختلف ارائه می‌دهد که ناظر تنها با حرکت درون فضا و پیرامون اشیا قادر است کیفیت‌های خالق پرسپکتیو در فضای شهری و معنا بخش مفهوم ابعاد بصری سیمای شهر را دریافت کند (Bereliani, 2018: 33).

رویکرد ادراکی به سیمای شهر: تجارب، خاطرات، سلايق، به وجود آوردن خاطرات در ذهن شهروندان نسبت به عناصر زیبایی در فضای شهری و به‌وجودآورنده تمدن و فرهنگ است. ترکیب عوامل یادشده موجب ارتقای کیفیت فضای شهر شده و مشاهده‌کننده می‌تواند مفاهیم ذهنی و عینی سیمای شهری را درک کند. همچنین، یک پیام به‌خودی‌خود فاقد هرگونه معنایی است. مگر آنکه برای ناظر مسبق سابقه بوده و حاوی اشارات در ذهن او باشد. با توجه به مراتب یادشده مهم‌ترین شناخته‌آدراک در بحث سیمای شهری شامل موارد زیر است: ۱. توجه به ترجیحات محیطی بصری مردم؛ ۲. توجه به ادراک و تصویر ذهنی خوانایی؛ ۳. توجه به خاطرات و تجربه گذشته مردم؛ ۴. توجه به ابعاد هنری زیباشناختی؛ ۵. توجه

به بستر و زمینه ادراکی؛ ۶. توجه به مفهوم زمان در ادراک محیط بصری؛ و ۷. توجه به نظم و سازمان‌دهی (Daft, 2010: 19).

رویکرد زمینه‌گرا به سیمای شهر: در این رویکرد نظریه‌پردازان معتقدند که معماری تک‌بنا در سیمای شهر، جزئی از یک کل است، کلیتی که از هم‌جواری مجموعه‌ای از معماری‌ها (معماری شهری) شکل گرفته است. این هم‌جواری زمانی تبدیل به زمینه می‌شود که کلیت آن حاوی زبانی مشترک باشد. این زبان مشترک کیفیتی است که در دانش طراحی شهری زمینه تلقی می‌شود، بنابراین نظریه‌پردازان زمینه را این‌گونه تعریف می‌کنند: زمینه کلیتی از صفات محیطی و بصری پیرامونی یک مکان است که طی آن، تداوم عناصر بصری سبب ایجاد زبان مشترک در سیما و معرف خصلت و هویت جمعی برای آن مکان شود. به ادعای کرمونا، امروزه تمام رویکردهای معاصر منظر شهری، متأثر از کار کالبد است، رویکردی زمینه‌گرا که در آن، کل، چیزی بیشتر از جمع اجزای منفرد است.

رویکرد کالبدی - تاریخی: در روند توسعه کالبدی در بسیاری از شهرهای تاریخی ایران، به ساختار و شکل هسته تاریخی شهر توجه کافی نشده و به دنبال آن، مشکلاتی همچون ناتوانی در انطباق با تغییرات کالبدی جدید، عدم برقراری پیوند مناسب با ساختار شبکه‌ای موجود و انزوای فضایی، گریبان‌گیر هسته‌های تاریخی این شهرها شده است. در واقع، عدم توجه به طراحی و برنامه‌ریزی شهری زمینه‌گرا و نادیده گرفتن ارزش‌های کالبدی و غیر کالبدی زمینه موجود و اجرای طرح‌های شتاب‌زده، به کمرنگ شدن این هسته‌های تاریخی در اذهان مردم منجر شده است (Bonakdar, 2001: 57).

رویکرد طبیعت‌محور: رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر موجب تغییرات بسیار در مناظر طبیعی می‌شود. این امر تأثیرات مشخصی روی سیستم‌های بوم‌شناختی که عامل ایجاد گونه‌های متفاوت مناظر است می‌گذارد. هرچند رشد شهر همیشه به عنوان یک تهاجم علیه محیط زیست آن منطقه و اکوسیستم مجاور آن پنداشته می‌شود، ولی می‌توان با مطالعه مفاهیم گونه‌های زیستی و اکوسیستم‌های شهر این مشکل را حل کرد. برای افزایش گونه‌های زیستی اکوسیستم‌های یک شهر انعکاس ادراک بخش‌های مختلف اکوسیستم به وسیله جمعیت آن شهر اهمیت بسیار دارد. طبیعت شهر شامل عناصر زیست‌محیطی متفاوت است و خدمات آن در راستای بهبود اقلیم و شرایط جوی و خواص آب و عملکرد گونه‌های زیست‌محیطی است. نیازهای طبیعتی که ارتباط مستقیمی با ویژگی‌های فیزیکی وضعیت طبیعت شهر دارد را می‌توان به سه بحث تماس با طبیعت، ترجیحات زیباشناختی و تفریح و سرگرمی تقسیم کرد. دلایل بسیاری برای اثبات اینکه تماس با طبیعت کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهد وجود دارد مانند اینکه فرصتی برای رهایی از هیاهوی شهرنشینی در طبیعت فراهم می‌آید، محیط طبیعی در این بخش شامل مناطق بزرگ مانند کربدورهای طبیعی و پارک‌ها و جنگل‌ها می‌شود (Duncan, 2008: 212).

رویکرد کالبدی - بصری: دیدگاه کالبدی در سیمای شهری در قرن ۲۰ مورد توجه قرار گرفت و دیدگاهی فیزیکی و کالبدی و سطحی به فضاهای شهر دارد. تأکید اصلی این رویکرد بر اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده زیبایی فضاهای شهری است. این دیدگاه به حوزه‌های تأثیرگذار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مدیریتی توجهی نکرده و فقط نگاهی کالبدی و محصول‌گرا به سیمای شهر دارد. نظریه‌پردازان چنین دیدگاهی افرادی همچون آونین، لوکوربوزیه، کامیلو سیتته

هستند که نگاهی کالبدی به سیمای شهری دارند. نتیجه چنین نگرش تک‌بعدی، فاصله گرفتن فضاهای شهری از انتظارات شهروندان نسبت به زیبایی‌شناختی سیمای شهر است (Pakzad, 2006: 23). رویکرد یکپارچه در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری: تأکید بر برنامه‌ریزی و مدیریت فضایی یکپارچه و کل‌نگر که این مفاهیم را در ارتباط مستقیم با وظایف حاکمیت قرار می‌دهد، از تحولات اخیر در عرصه حاکمیت جوامع نشئت می‌گیرد که حاکمیت چندسطحی و چندعاملی از خصیصه‌های اصلی آن است. در الگوی حاکمیت؛ سلسله‌مراتب تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از یک‌طرف و وجود سطوح مختلف برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و عمران از سوی دیگر، لزوم ایجاد هماهنگی میان سطوح مختلف مستلزم یک نظام مدیریتی همه‌جانبه و کارآمد است. الگوی حاکمیت و از آن طریق رویکرد راهبردی به موضوعات مختلفی می‌پردازد که نمی‌تواند فقط در چهارچوب یک حوزه مسئولیت مورد حل‌وفصل قرار گیرد. ضرورت ارتباط میان راهبردها و سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و محلی ایجاد می‌کند که روابط نزدیکی میان ادارات و نهادهای مختلف برنامه‌ریزی برقرار شود و به‌ویژه در موضوعاتی مثل جمعیت، اقتصاد،

حمل‌ونقل، ارتباطات، فراغت و غیره، هماهنگی‌های لازم میان مناطق همسایه و نواحی هم‌جوار، از نظر اهداف برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و روش‌های اجرایی طرح‌ها به عمل آید (Healey, 2004: 60).

همچنین، ماهیت نهادی برنامه‌ریزی مشارکتی و لزوم توجه به شبکه‌های اجتماعی و گرایش‌ها و منافع آن‌ها در تصمیمات شهری توجه به فضا (مجموعه روابط اجتماعی فضا) و مکان و محدوده‌های جغرافیایی را مورد توجه جدی قرار می‌دهد. از این نظر، ماهیت مشارکتی برنامه‌ریزی شهری که توجه به تفاوت‌های فضایی - مکانی از خصیصه‌های اصلی آن است، ضرورت اتخاذ رویکرد یکپارچه و جامع و کل‌نگر را در زمینه برنامه‌ریزی فضایی مورد توجه قرار می‌دهد. رویکرد یکپارچه باید سیاست‌های فضایی مختلف اتخاذشده در سطوح افقی را با یکدیگر هماهنگ ساخته، علاوه بر اینکه سیاست‌های در سطوح مختلف عمودی حکومتی را نیز با هم هماهنگ ساخته و این سیاست‌های عمودی را با سطح افقی هماهنگ می‌سازد (Moradi, 2005: 28).



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

۴. روش‌شناسی

پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر ماهیت، تحلیلی و از نظر روش، کیفی - کمی است (Dadashpour & Zahedpour, 2018: 200). جامعه آماری را ۸۰ نفر از کارشناسان شهرداری منطقه ۷ و اساتید حوزه برنامه‌ریزی شهری تشکیل داده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر احتمالی و از نوع طبقه‌ای بوده است. به این ترتیب، جمعیت کارشناسان، به زیر جمعیت‌های واحد تقسیم می‌شود. وقتی که طبقات معلوم شدند، یک نمونه از هر طبقه استخراج می‌شود؛ به این معنا که در میان سازمان‌های مدیریتی شهر تهران، تعدادی از سازمان‌ها اعم شهرداری منطقه ۷ تهران، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال و غیره به عنوان طبقه اول انتخاب شدند. پس از آن، از هر طبقه تعدادی از کارشناسان و خبرگان به روش تصادفی ساده

انتخاب شده است.

روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است که از طریق اسناد و پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها، فیش‌برداری شده است. در مرحله بعد، داده‌های مورد نظر برای تحلیل کمی استخراج شده و از طریق پرسشنامه از نوع بسته توسط کارشناسان و خبرگان امتیاز داده شده است. برای تحلیل داده‌ها به منظور پاسخ به سؤال پژوهش از مدل دیمتل استفاده شده است. روش دیمتل برای سنجش روابط علی - معلولی بین شاخص‌ها در مسائل تصمیم‌گیری معرفی شد. روش دیمتل به صورت تخصصی به رتبه‌بندی شاخص‌ها نمی‌پردازد، بلکه برای سنجش میزان اثرگذاری و اثرپذیری شاخص‌های یک سیستم طراحی شده است. در جدول ۱ ابعاد و معیارهای استخراج‌شده پژوهش شرح داده شده است.

جدول ۱. ابعاد و معیارهای استخراج‌شده پژوهش

ابعاد	معیار	منبع
محیطی	- توجه به اهمیت نقش طبیعت و فضای سبز در سطح شهر - وجود ملاحظات زیست‌محیطی در ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری	Duncan, 2008: 212
کالبدی	- ارتباط هر فضا با ساختمان با سایر فضاها (خوانایی) - تأکید بر حفظ هویت مکان‌ها و کیفیت‌های بصری و زیباشناسی - حفظ و ساماندهی بافت‌های تاریخی - تأکید بر اختلاط کاربری‌ها - ارتقای پیوستگی و تداوم در بین نشانه‌ها و فضاهای اصلی شهر - کاهش دوگانگی سیما و منظر در پهنه شرقی و غربی منطقه	Pakzad, 2006: 23 Bereliani, 2018: 39 Ito, 2024: 11
اقتصادی	- مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیما و منظر در راستای پاسخ به نیازهای اقتصادی - مشارکت مردمی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای تحقق کیفیت بصری	Bereliani, 2018: 33
اجتماعی - فرهنگی	- توجه به ادراک و تصویر ذهنی مردم نسبت به فضاها - افزایش حضور پذیری و ارتقای کیفیت فضا در مکان‌های دریافت منظر - آموزش شهروندان و تنظیم مقررات برای هماهنگ‌سازی و هدفمند شدن نماها با رعایت مقررات	Manzo, 2005: 27 Daft, 2010: 19
ساختاری - مدیریتی	- رعایت ضوابط بصری در مقررات شهرسازی و معماری - توجه به یکپارچگی و هماهنگی ساختاری و سازمانی - سیستم‌های مدیریت شهری مجهز به مجموعه‌ای از نیروهای فنی و تخصصی - ارتباط میان راهبردها و سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و محلی	Healey, 2004: 60 Moradi, 2005: 28

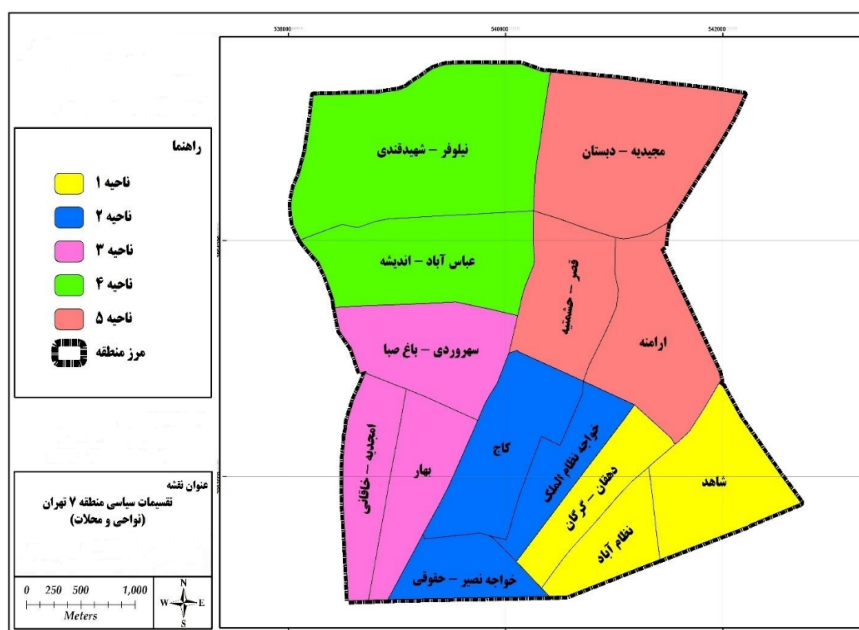
۱.۴. محدوده مورد مطالعه

غربی خیابان مفتوح و بزرگراه مدرس، در محدوده جنوبی خیابان دماوند و انقلاب و در محدوده شمالی بزرگراه رسالت قرار گرفته است (Documents of the Municipality of District 7 of Tehran, 2019: 14). طبق آخرین آمار در سال ۱۳۹۷ منطقه ۷ شهرداری تهران به ۵ ناحیه و ۱۴ محله تقسیم می‌شود که در جدول ۲ نواحی و محلات هریک از نواحی مشخص شده است.

منطقه ۷ کلان‌شهر تهران با مساحت ۱۵۳۶/۸ هکتار حدود ۲/۱ درصد از مساحت کل شهر تهران را در بر می‌گیرد و از لحاظ وسعت مقام پانزدهم را در بین مناطق ۲۲گانه شهر تهران دارد. این منطقه از شمال، هم‌جوار مناطق ۳ و ۴؛ از شرق، با منطقه ۸؛ از غرب، با منطقه ۶ و از جنوب، با مناطق ۱۲ و ۱۳ شهرداری تهران همسایه است. در محدوده شرقی منطقه خیابان سبلان و مجیدیه، در محدوده

جدول ۲. محلات منطقه ۷ شهرداری تهران (Documents of the Municipality of District 7 of Tehran, 2019: 19)

منطقه	ناحیه	محله
منطقه ۷	ناحیه ۱	(شاهد) - (دهقان-گرگان) - (نظام‌آباد)
	ناحیه ۲	(کاج) - (خواجه نظام‌الملک) - (خواجه‌نصیر-حقوقی)
	ناحیه ۳	(بهار) - (امجدیه-خاقانی) - (سهروردی-باغصبا)
	ناحیه ۴	(عباس‌آباد-اندیشه) - (نیلوفر-شهید قندی)
	ناحیه ۵	(مجیدیه-دستان) - (قصر-حشمتیه) - (ارامنه)
مجموع	۵	۱۴



شکل ۲. مرزبندی نواحی منطقه ۷ شهری تهران (Documents of the Municipality of District 7 of Tehran, 2019: 23)

۲.۴. تحلیل داده‌ها

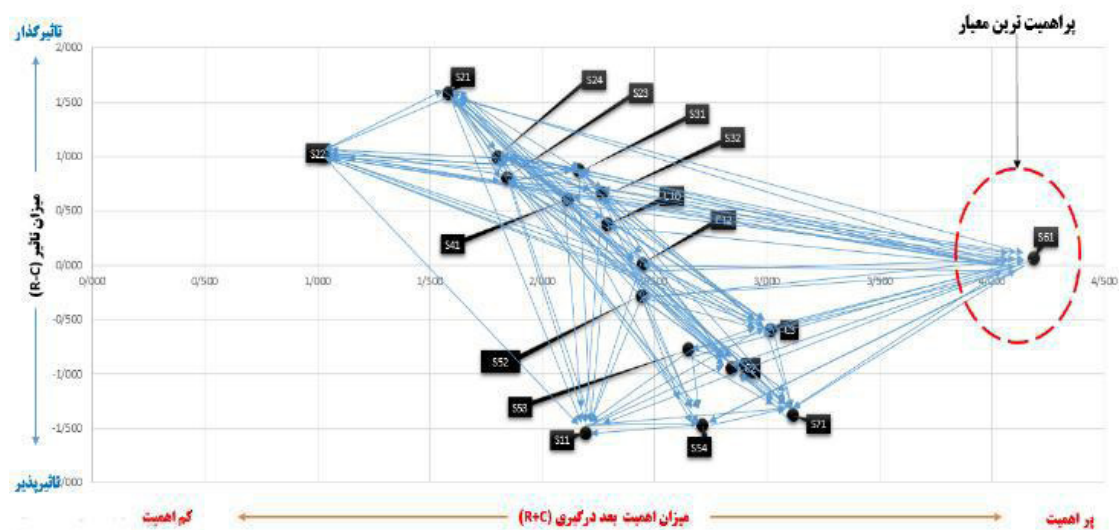
۳ قابل مشاهده است. در جدول میزان اثرگذاری با R، میزان تأثیرپذیری با C، میزان اهمیت معیارها با R+C، میزان ارتباط با R-C مشخص شده است. در نهایت، بر اساس اعداد به دست آمده، معیارها اولویت بندی شده است. اعدادی که تراز مثبت داشته نشان دهنده اثرگذاری معیار است و اعدادی که تراز منفی داشته نشان دهنده اثرپذیری معیار است.

بر اساس مدل دیمتل میزان اثرگذاری و تأثیرپذیری (روابط علت و معلول) ابعاد و معیارهای الگوی مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران تحلیل شده است. ماتریس ابعاد ساختاری - مدیریتی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و محیطی و ۱۷ معیار استخراج شده بر اساس ابعاد یادشده در جدول

جدول ۳. معیارها الگوی مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران

نوع تأثیر	اولویت بندی	میزان ارتباط (R-C)	میزان اهمیت (R+C)	میزان تأثیرپذیری (C)	میزان اثرگذاری (R)	معیارها	بعد
تأثیرپذیر	۱۶	-۱/۵	۲/۱۹	۱/۸۷	۰/۳۲	سیستم‌های مدیریت شهری مجهز به مجموعه‌ای از نیروهای فنی و تخصصی	ساختاری - مدیریتی
تأثیرپذیر	۱۴	-۰/۹	۲/۸۴	۱/۸۹	۰/۹۴	توجه به ادراک و تصویر ذهنی مردم نسبت به فضاها	اجتماعی - فرهنگی
تأثیرپذیر	۱۲	-۰/۶	۳/۰۱	۱/۸	۱/۲۱	مشارکت مردمی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای تحقق کیفیت بصری	اقتصادی
اثرگذار	۱	۱/۵۸	۱/۵۸	۰/۰	۱/۵۸	ارتقای پیوستگی و تداوم بین نشانه‌ها و فضاها اصلی شهر	کالبدی
اثرگذار	۲	۱/۰۱	۱/۰۳	۰/۰۱	۱/۰۲	توجه به یکپارچگی و هماهنگی ساختاری و سازمانی	ساختاری - مدیریتی
اثرگذار	۴	۰/۸	۱/۸۵	۰/۵	۱/۳۲	حفظ و ساماندهی بافت‌های تاریخی	کالبدی
اثرگذار	۳	۰/۹	۱/۸	۰/۴	۱/۴	توجه به اهمیت نقش طبیعت و فضای سبز در سطح شهر	محیطی
اثرگذار	۵	۰/۸۷	۲/۱۶	۰/۶	۱/۵۲	ارتباط هر فضا یا ساختمان با سایر فضاها (خوانایی)	کالبدی
اثرگذار	۶	۰/۷	۲/۲۷	۰/۸	۱/۴۶	وجود ملاحظات زیست‌محیطی در ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری	محیطی

نوع تأثیر	اولویت بندی	میزان ارتباط (R-C)	میزان اهمیت (R+C)	میزان تأثیر پذیری (C)	میزان اثر گذاری (R)	معیارها	بعد
اثر گذار	۸	۰/۳۸	۲/۲۹	۰/۹۵	۱/۳۳	مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیما و منظر در راستای پاسخ به نیازهای اقتصادی	اقتصادی
اثر گذار	۷	۰/۶۱	۲/۱	۰/۷۵	۱/۳۶	تأکید بر حفظ هویت مکان‌ها و کیفیت‌های بصری و زیباشناسی	کالبدی
اثر گذار	۱۰	۰/۰۱	۲/۴۵	۱/۲	۱/۲۳	ارتباط میان راهبردها و سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و محلی	ساختاری-مدیریتی
تأثیر پذیر	۱۱	-۰/۳	۲/۴۴	۱/۳۷	۱/۰۸	تأکید بر اختلاط کاربری‌ها	کالبدی
تأثیر پذیر	۱۳	-۰/۸	۲/۶۵	۱/۷۱	۰/۹۴	آموزش شهروندان و تنظیم مقررات برای هماهنگ‌سازی و هدفمند شدن نماها با رعایت مقررات	اجتماعی-فرهنگی
تأثیر پذیر	۱۷	-۱/۵	۲/۷	۲/۱	۰/۶۲	افزایش حضور پذیری و ارتقای کیفیت فضا در مکان‌های دریافت منظر	اجتماعی-فرهنگی
اثر گذار	۹	۰/۰۶	۴/۱۹	۲/۰۶	۲/۱۲	کاهش دوگانگی سیما و منظر در پهنه شرقی و غربی منطقه	کالبدی
تأثیر پذیر	۱۵	-۱/۴	۳/۱۳	۲/۲۵	۰/۸۷	رعایت ضوابط و ملاحظات بصری در مقررات شهرسازی و معماری	ساختاری-مدیریتی



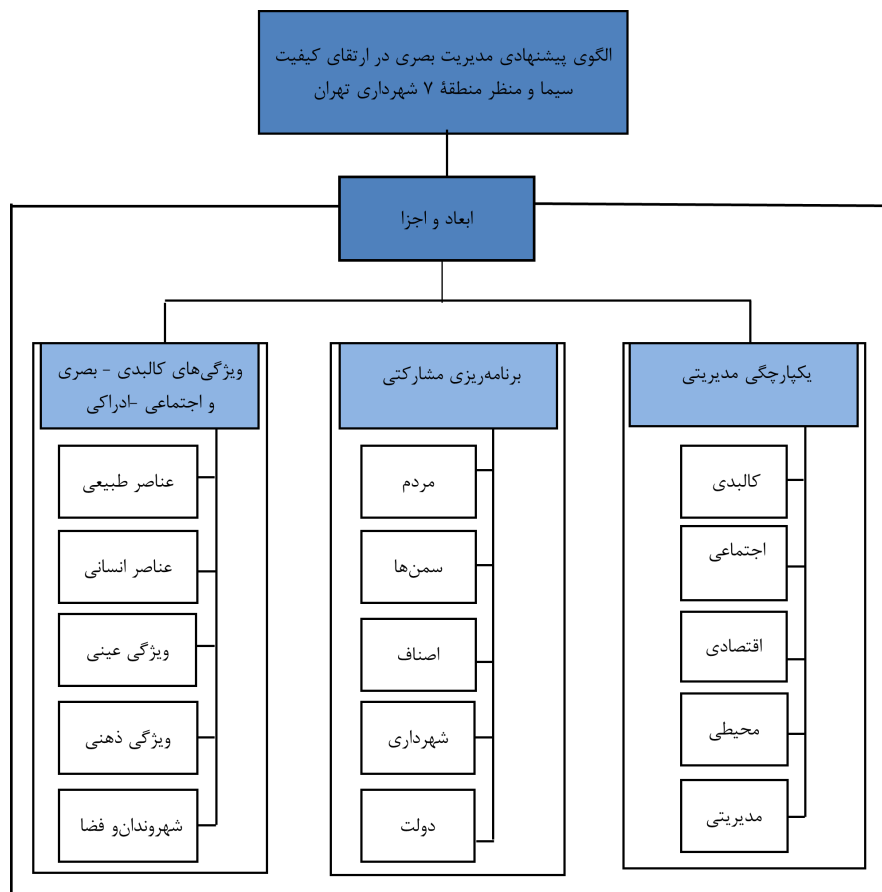
شکل ۳. وضعیت رابطه اثر گذاری و تأثیر پذیری معیارها

بر اساس مدل دیمتل در تحلیل میزان اثر گذاری و تأثیر پذیری معیارها الگوی مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران می‌توان گفت که ارتقای پیوستگی و تداوم بین نشانه‌ها و فضاهای اصلی شهر با کسب نمره ۱/۵۸ و معیار توجه به یکپارچگی و هماهنگی ساختاری و سازمانی با کسب نمره ۱/۰۱ بیشتر اثر گذاری را داشته و معیار افزایش حضور پذیری و ارتقای کیفیت فضا در مکان‌های دریافت منظر و سیستم‌های مدیریت شهری مجهز به مجموعه‌ای از نیروهای فنی و تخصصی با کسب نمره ۱/۵- بیشترین تأثیر پذیری را داشته است. با تحلیل یافته‌های توصیفی و تحلیلی پژوهش حاضر، دلایل توجه کمتر به مدیریت بصری در سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران شامل موارد زیر است:

- عدم تناسب بین عناصر طبیعی و انسانی در سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران؛
- تفرق و عدم یکپارچگی و هماهنگی میان سازمان‌های مدیریتی چون شورای عالی معماری و شهرسازی، شهرداری منطقه، شهرداری ناحیه، دفاتر توسعه محله‌ای؛
- عدم توجه به رعایت ضوابط و ملاحظات بصری در مقررات شهرسازی و معماری؛
- عدم استفاده از مشارکت بخش خصوصی - مدنی و مردمی در تهیه و اجرای برنامه‌های سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران؛
- ارجحیت هزینه بر کیفیت در میان سازندگان که موجب کاهش

شهر، توجه به ملاحظات زیست‌محیطی، ارتباط هر فضا با سایر فضاها، توجه تصویر ذهنی مردم نسبت به فضاها، رعایت ضوابط و ملاحظات بصری، حفظ هویت مکان‌ها و کیفیت‌های بصری است. اجزای «مدیریت یکپارچه شهری» شامل تمام ویژگی‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی و هماهنگی میان سازمان‌های مدیریتی است. اجزای «برنامه‌ریزی مشارکتی» شامل مردم، سمن‌ها، اصناف، شهرداری و دولت است.

ادراک و تصویر ذهنی مردم نسبت به فضاها می‌شود. با توجه به موارد یادشده، الگوی پیشنهادی مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران در شکل ۴ قابل مشاهده است. در این مدل به ارتقای ویژگی‌های کالبدی - بصری و اجتماعی - ادراکی، مدیریت یکپارچه شهری و برنامه‌ریزی مشارکتی توجه شده که هر یک از آن‌ها از اجزایی برخوردار هستند. اجزای «ویژگی‌های کالبدی - بصری و اجتماعی - ادراکی» شامل عناصر طبیعی و انسان‌ساز، ویژگی عینی، ویژگی ذهنی، شهروندان و فضا



شکل ۴. الگوی پیشنهادی مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران

۵. نتیجه‌گیری

امروزه نابسامانی و اغتشاش در سیما و منظر مناطق شهری تهران همچون منطقه ۷، واقعیتی پذیرفته‌شده توسط مسئولان، حرفه‌مندان، صاحب‌نظران و عامه مردم است. آشفتگی سیما و منظر شهری موجب ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، قانونی، اخلاقی، فعالیتی، روانی، بصری و محیطی می‌شود. این مشکلات دربرگیرنده منظر عینی و برداشت‌ها و تصویرهای ذهنی شهروندان از آن است که خود فرآورده ناگزیر آشفتگی‌ها، ناهنجاری‌ها و نارسایی‌های گوناگونی است که کلیت فرایند توسعه شهری در منطقه ۷ را شکل می‌دهد. در این زمینه، پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی انجام گرفته است. پژوهش حاضر در مطالعات خارجی نزدیک به پژوهش ایتو و همکاران با عنوان «درک ادراک شهری با داده‌های بصری: یک بررسی سیستماتیک» است. آن‌ها برای مدت طولانی، بسیاری از مطالعات داخلی نزدیک به پژوهش پدالهی و همکاران با عنوان «بررسی ارتقای خوانایی منظر شهری بر کیفیت شهری» است. آن‌ها به بررسی خوانایی منظر شهری به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت شهری پرداختند. نکته قابل توجه این است که در تمامی پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر بر پایه عوامل کالبدی به سیما و منظر شهری با تأکید بر مدیریت بصری پرداخته شده، اما در پژوهش حاضر علاوه بر عوامل کالبدی به سایر عوامل محیطی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، بصری - ادراکی و مدیریتی پرداخته شده است. علاوه بر این، با توجه به اینکه منطقه ۷ شهرداری تهران از نظر تنوع فرمی و کالبدی از مناطق ناهمگون شهر تهران به شمار می‌آید، تا کنون مطالعه دقیق و جامعی در خصوص مدیریت بصری

پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی انجام گرفته است. پژوهش حاضر در مطالعات خارجی نزدیک به پژوهش ایتو و همکاران با عنوان «درک ادراک شهری با داده‌های بصری: یک بررسی سیستماتیک» است. آن‌ها برای مدت طولانی، بسیاری از مطالعات داخلی نزدیک به پژوهش پدالهی و همکاران با عنوان «بررسی ارتقای خوانایی منظر شهری بر کیفیت شهری» است. آن‌ها به بررسی خوانایی منظر شهری به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت شهری پرداختند. نکته قابل توجه این است که در تمامی پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر بر پایه عوامل کالبدی به سیما و منظر شهری با تأکید بر مدیریت بصری پرداخته شده، اما در پژوهش حاضر علاوه بر عوامل کالبدی به سایر عوامل محیطی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، بصری - ادراکی و مدیریتی پرداخته شده است. علاوه بر این، با توجه به اینکه منطقه ۷ شهرداری تهران از نظر تنوع فرمی و کالبدی از مناطق ناهمگون شهر تهران به شمار می‌آید، تا کنون مطالعه دقیق و جامعی در خصوص مدیریت بصری

منطقه صورت نپذیرفته و این پژوهش برای اولین بار کیفیت سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران را با تأکید بر مدیریت بررسی تحلیل کرده است.

در چارچوب نظری و نظام فکری پژوهش حاضر در ارتباط با مفهوم مدیریت بصری در سیما و منظر شهری در میان دیدگاه‌های متفاوتی که وجود دارد ترکیبی از رویکردهای کالبدی - بصری و اجتماعی - ادراکی و رویکرد یکپارچه در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به عنوان نظریه نزدیک به پژوهش انتخاب شده است. در واقع، تأکید اصلی در این رویکرد تلفیقی از تناسبات ساختمان‌ها و عناصر انسان‌ساخت در فضای شهری، با حضور انسان و طبیعت است. بررسی همه نظریه‌های مرتبط با سیما و منظر شهری با تأکید بر مدیریت بصری و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش دیمتال نشان می‌دهد مدیریت بصری در منطقه ۷ بیشتر به معیارهای کالبدی در تدوین و اجرای برنامه‌ها توجه کرده است. در صورتی که باید به سایر عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و ساختاری - مدیریتی هم توجه شود. عدم توجه به یکپارچگی در مدیریت بصری موجب کاهش کیفیت سیما و منظر پهنه غربی و شرقی منطقه ۷ شهرداری تهران در ابعاد کالبدی، محیطی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و ساختاری - مدیریتی شده است. از سوی دیگر، در مدیریت بصری در ارتقای سیما و منظر منطقه ۷ بهتر است از مشارکت تمام ذی‌نفعان اعم از بخش دولتی، خصوصی، مدنی و ساکنان محلات هم استفاده شود. در صورتی که برنامه‌ها از بالا به پایین و توسط بخش دولتی تهیه می‌شود. متأسفانه در بیشتر محله‌ها ارجحیت هزینه بر کیفیت بین سازندگان چه از نظر عینی چه از نظر ذهنی موجب شده کیفیت سیما و منظر در کل منطقه کاهش یابد. سازندگان ساختمان‌های مسکونی، اداری، تجاری و... بیشتر به دنبال کسب سود اقتصادی هستند تا اینکه یک ساختمان بر اساس نوع مصالح، ضد زلزله بودن، برخورداری از زیرساخت‌های مناسب و غیره باکیفیت ساخته شود. همچنین، از منظر بصری و عینی و زیباشناسی ساختمان‌ها فاقد جذابیت برای مخاطبان است.

بهتر است برای تحقق مدیریت یکپارچه بصری در راستای ارتقای کیفیت سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران از ویژگی‌های رویکرد کالبدی - بصری و اجتماعی - ادراکی استفاده شود؛ به این معنا که طراحی شهری دربرگیرنده ایجاد و بهبود فضاها و مکان‌های شهری است تا بتواند استانداردهای کیفیت بصری و کارکردی را کسب کند، در واقع تلفیقی از تناسبات ساختمان‌ها و عناصر انسان‌ساخت در فضای شهری، با حضور انسان و طبیعت است. علاوه بر این، توجه به استفاده از ویژگی‌های رویکرد یکپارچه در برنامه‌ریزی و مدیریت بصری شهری ضروری است؛ به این معنا که در الگوی حاکمیت؛ سلسله‌مراتب تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از یک طرف و وجود سطوح مختلف برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و عمران از سوی دیگر، لزوم ایجاد هماهنگی میان سطوح مختلف مستلزم یک نظام مدیریتی همه‌جانبه و کارآمد است. الگوی حاکمیت و از آن طریق رویکرد راهبردی به موضوعات مختلفی می‌پردازد که نمی‌تواند فقط در چهارچوب یک حوزه مسئولیت مورد حل و فصل قرار گیرد. ضرورت ارتباط میان راهبردها و سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و محلی ایجاب می‌کند که روابط نزدیکی میان ادارات و نهادهای مختلف برنامه‌ریزی برقرار شود. علاوه بر این، به ماهیت نهادی برنامه‌ریزی مشارکتی و لزوم توجه به شبکه‌های اجتماعی و گرایش‌ها و منافع آن‌ها در تصمیمات شهری توجه شود.

برای تحقق ارتقای سیما و منظر منطقه ۷ شهرداری تهران با تأکید بر مدیریت بصری پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- برقراری تناسب میان عناصر طبیعی و انسان‌ساخت در پهنه شرقی و غربی و تمام محلات منطقه ۷ شهرداری تهران؛
- رعایت ضوابط و ملاحظات بصری در مقررات شهرسازی و معماری شهرداری منطقه ۷ تهران توسط سازندگان در این منطقه؛
- یکپارچگی و هماهنگی میان سطوح مختلف تصمیم‌گیری در تهیه و اجرای برنامه‌های منطقه ۷ شهرداری تهران؛
- حفظ ارزش‌های تاریخی منطقه ۷ تهران از طریق ساماندهی و بهسازی آن‌ها طبق ضوابط شهرداری؛
- مشارکت تمامی ذی‌نفعان اعم از بخش خصوصی، مدنی و مردمی در فرایند تهیه و اجرای برنامه‌های مدیریت بصری منطقه ۷ شهرداری تهران؛
- ارجحیت کیفیت بر هزینه توسط سازندگان در راستای ادراک بهتر شهروندان از فضاهای منطقه ۷ در هر دو پهنه شرقی و غربی؛
- کاهش دوگانگی سیما و منظر در دو پهنه شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در بخش‌های مختلف مقاله مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «ارزیابی میزان اثربخشی الگوی مدیریت بصری در ارتقای کیفیت سیما و منظر شهری؛ نمونه موردی منطقه ۷ شهرداری تهران» در دانشگاه آزاد اسلامی است. همچنین، مقاله حاضر حامی مادی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع

- Bereliani, H. & Azargo, M. (2018). The relationship between aesthetics and the visual analysis of urban landscape. Third International Conference on Civil Engineering. *Architecture and Urban Design*, 1 (1), 40-25. <https://civilica.com/doc/806078/>
- Bonakdar A. & Gharai F. (2011). Changing Paradigms in Urban Design Principles: from Physical, Social, and Perceptual Components to a Place-Making Approach. *Letter of Architecture and Urban Planning*, 3(6): 51-70. <https://sid.ir/paper/215830/fa> [In Persian]
- Brandalise, F., Formoso, C. & Viana, D. (2022). Development of a typology for understanding visual management concepts and their relationships. *Journal of Construction Engineering and Management*, 148 (7), 1-15. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)CO.1943-7862.000230](https://doi.org/10.1061/(ASCE)CO.1943-7862.000230)
- Daneshpour A. (2011). An Introduction to the Concept and Function of the Identity of the Human-Made Environment. *Bagh-e-Nazar*, 1 (1): 145-1. https://www.bagh-sj.com/article_1494.html [In Persian]
- Dadashpour H., & Zahedpour S. (2018). Analysis of the Spatial System Establishment Pattern and Distribution of Industrial Activities in the Tehran Metropolitan Area. *Journal of Geography and Regional Development*, 2 (31): 179-212. <https://www.magiran.com/p2011951> [In Persian]

- Duncan, M., Kerry Mummary, W. & Steele, R. (2008). Geographic location, physical activity, and perceptions of the environment in Queensland adults. *Health & Place*, 15 (1), 204-209. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2008.04.006>
- Documents of the Municipality of District 7 of Tehran. (2019). *Urban Planning Area*, 1 (1): 50-1. [In Persian]
- L Daft, R. (2010). *New Era of Management (-Internation Edition)*. South-Western, Cengage Learning. <https://www.scribd.com/document/686950400/ch07-8>
- Fadami A. (2020). Developing a Strategic Framework for Visual Management of Isfahan City with a Hard Branding Approach, Master's thesis. *Isfahan University of Art*, 255-2. <https://library.uis.ac.ir/Inventory/108/6454.htm> [In Persian]
- Gao, M. & Hu, C. (2025). Landscape design utilizing visual communication technologies. *International Journal of Information System Modeling and Design*, 16 (1), 1-25. DOI: [10.4018/IJISMD.368148](https://doi.org/10.4018/IJISMD.368148).
- Gorji A. (2006). The Appearance of the Abandoned City after Iran's Urban Policies. *Quarterly Journal of Urban Planning and Architecture*, 53 (1): 130-1. [In Persian]
- Healey, p. (2004). The treatment of space and place in the new strategic spatial planning in Europe. *International journal of urban and regional research*, 28 (1), 45-67. <https://doi.org/10.1111/j.0309-1317.2004.00502.x>
- Hassanzadeh Moghadam N., Naderi A., & Alipourkouhi P. (2022). Organizing the Urban Landscape and Scenery with an Emphasis on Aesthetic Criteria: A Case Study of Qeytariyeh Street. *Fourth Conference on Knowledge-Based Urban Planning and Architecture*, 1 (1): 25-1. <https://sid.ir/paper/1083304/fa> [In Persian]
- Ito, K., Kang, Y., Zhang, Y., Zhang, F., & Biljecki, F. (2024). Understanding urban perception with visual data: A systematic review. *Cities Journal*, 152 (1), 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105169>
- Manzo, L. (2005). "For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning." *Journal of Environmental Psychology*, 25 (1), 67-86. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2005.01.002>
- Moradi-Masihi V. (2005). Strategic Planning and Its Application in Urban Development in Iran. *Pardaz and Urban Planning Publications, Tehran*, 1 (2): 25-30. [In Persian]
- Pakzad J. (2006). The Cityscape, What Kevin Lynch Understood? *Abadi*, 18 (53): 20-25. <https://sid.ir/paper/442416/fa> [In Persian]
- Seifollahi, M., Baghaei, A., & Afhemi, R. (2022). Analysis of the Effectiveness of Urban Landscape and Landscape Organization Laws on the Coherence of Urban Facades (from 1968 to 2011). *Scientific Journal of Urban Design Discourse*, 2 (3): 18-2. <https://udd.modares.ac.ir/article-40-62369-fa.html> [In Persian]
- Shamlo S., Naghizadeh M., & Farah H. (2018). Analyzing Theoretical Approaches and Backgrounds and Developing a Conceptual Framework for the City Landscape. *Armanshahr Quarterly Magazine*, 11 (23): 197-209. https://www.armanshahrjournal.com/article_69638.html [In Persian]
- Vafadari Kumar Olya, D., & Ramezani, A. (2024). Investigating the effect of lighting on the attractiveness of the night view of urban parks from the perspective of citizens. *Sustainable Urban and Regional Development Studies*, 6 (1), 158-140. https://www.srds.ir/article_212890.html
- Yadollahi P., & Shahcheraghi A. (1403). Study on Improving the Readability of Urban Landscape on Urban Quality, 26th National Conference on Civil Engineering. *Architecture and Urban Development*, 1 (1): 15-1. <https://civilica.com/doc/2212417/> [In Persian]
- Zhang, M., Shen, T., Huo, L., Liao, S., Shen, W., & Li, Y. (2025). Study on mechanism of visual comfort perception in urban 3d landscape. *Buildings Journal*, 15 (4), 625-628. <https://doi.org/10.3390/buildings15040628>.